

نگاه منتقد

فراز و فرود جامعه ایرانی در نگاهی جامعه‌شناسانه به ادبیات ایران مدرن (بخش چهارم)

جامعه ایرانی و واکنش در برابر خفقان رضاخانی



زهرا رامهران
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

توضیح: در بخش‌های اول، دوم، سوم و سوم این نوشتار اشاراتی جامعه‌شناسانه به روند تکوین و شکل‌گیری آثار متنور در ادبیات ایرانی در دوران مدرن و هم‌زمان با سال‌های پس از مشروطه و آغاز سلطنت پهلوی اول شد. در این بخش و در ادامه بررسی جامعه‌شناسانه ادبیات ایران مدرن، به شکل‌گیری نوعی در ادبیات در قالب داستان‌های کوتاه و طنز پرداخته شده که اغلب واکنش فردی و اجتماعی نویسندگان به وضع سیاسی - اجتماعی خفقان آور سال‌های واپسین حکومت پهلوی اول و پس از آن در ایران است؛ آنجا که حتی رضاخان در واکنش به آن ناگزیر از ممنوع اعلام کردن نوشتارهای عمگنانه در کشور شد. واکنش نویسندگان آن عصر اما واکنشی بود که به شکل‌گیری ادبیاتی سر خورده و انزواطلبی فردی در نویسندگان منجر شد تا جایی که شماری از آنها را به خودکشی واداشت...

دولت هم در این رویکرد قابل تأمل است که بدین لحاظ باز هم نمودی از عرفی کردن جامعه در زیر مقوله سکولاریسم نمایان می‌شود. یکی دیگر از علل اساسی ظهور این تقابل‌ها در نثر داستانی، اقدامات سیاسی عرفی شدن فرهنگ است که با سفر دانشجوین و نویسندگان به خارج از ایران و آشنایی آنها با تمدن اروپایی صورت می‌گیرد. بسیاری از این نویسندگان در روشنفکران طبقه متوسط فرهنگ است که با سفر دانشجویان و نویسندگان به خارج از ایران و آشنایی آنها با تمدن اروپایی صورت می‌گیرد. بسیاری از این نویسندگان در روشنفکران طبقه متوسط فرهنگی است که با سفر دانشجویان و نویسندگان به خارج از ایران و آشنایی آنها با تمدن اروپایی صورت می‌گیرد. بسیاری از این نویسندگان در روشنفکران طبقه متوسط فرهنگی است که با سفر دانشجویان و نویسندگان به خارج از ایران و آشنایی آنها با تمدن اروپایی صورت می‌گیرد. بسیاری از این نویسندگان در روشنفکران طبقه متوسط فرهنگی است که با سفر دانشجویان و نویسندگان به خارج از ایران و آشنایی آنها با تمدن اروپایی صورت می‌گیرد.



ایران پذیرفته و سنت‌گرایان به استهزا گرفته می‌شوند یا نویسندگانی چون حسن مقدم زندگی به شیوه غربی می‌شوند؛ از آن سو هدایت، هم‌نافی زندگی سنتی و صاحب‌اندیشه زیرورو کردن زندگی سنتی می‌شود و هم دنیای مدرن را با شیوه جدید نمی‌پسندند. حال پرسش اینجاست که سرمنشأ این دوگانگی‌ها چیست؟ این امر می‌تواند ناشی از «وقطبی‌های جعلی» حکومتی در اقدامات سیاسی رضاخانی هم باشد. گفتمان سیاسی از یک سو خواهان مدرنیسم از سوی دیگر نگاهبان سنتی است که به آنچه در گذشته بوده شباهت زیادی ندارد [۱] و گویی سنتی برخاسته از قدرت است. پس عملاً دو رویه متناقض دیده می‌شود و حال فهم این که کدام صاحب برتری است، جامعه زمان خود را دچار دوگانگی می‌کند که به شکلی واقعی در آثار نویسندگان نمود می‌یابد. در این امر باعث می‌شود که نویسندگانی به شکل اعتراض میز به ضدیت با فرهنگ کهنه و سنت‌های پوسیده بپردازند که در خلال این آگاهی‌ها و حدت جهل عمومی، شکافی عمیق بین آنها و جامعه ایجاد شود؛

اسدامرایی
مترجم

همه ما در حوزه کاری که فعالیت می‌کنیم، وظایفی داریم که باید آن را انجام دهیم. مثلاً من که سال‌هاست در حوزه هنر و فرهنگ فعالیت می‌کنم، سینما رفتن و شرکت در برنامه‌های مختلف مثل جشنواره موسیقی فجر را جزو وظایف خودم می‌دانم. اتفاقاً در همین جشنواره موسیقی هم در چند کنسرت شرکت کردم که خیلی خوب بود و جزو کارهای قوی به حساب می‌آید. آخر هفته‌ها هم هر قدر که کار داشته باشم سعی می‌کنم یکسری کارهای مضاعف بر وظیفه‌ام برای بهبود اوضاع اجتماعی کشور انجام دهم. من انجام این کارها را به شکل یک ضرورت در جامعه می‌بینم و فکر می‌کنم انجام چنین

این چهارشنبه

به مسائل اجتماعی سیاه‌نگاه نمی‌کنم

اموری جزو وظایف همه مردم است. اگر همه ما غرق در کارهای خودمان باشیم و به کارهایی که می‌تواند در جامعه تأثیر داشته باشد نپردازیم قطعاً خلأ و جای خالی آن در سطح جامعه حس خواهد شد و از طرفی روندی رو به بهبود نخواهیم داشت. یکی دیگر از نکات مهم در امور اجتماعی کشور نوع نگرشی است که باید داشته باشیم. من به مسائل اجتماعی و رخدادها حساس هستم اما نگرش مثل جشنواره موسیقی فجر را جزو مهم این است که با نگاهی درست و تبیین نقشه‌ای درست برای این حوزه مهم کاری انجام داد. واقعیت این است که این روزها کسی پیدا نمی‌شود که مسائل کشور را ببیند و آن را مهم قلمداد کند اما نحوه نگاه ما به مسائل و تصمیمی که اتخاذ می‌شود مهم‌ترین چیزی است که باید به آن توجه کنیم.

یادداشت

دور شدن از چالش‌های احساسی محیط زیست

بهزاد انگورج تقوی
معاون امور جنگل و انجمن‌داری سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور

بر حسب مصوبه قانونی درباره جنگل‌ها در سال ۱۳۰۳ و عنوان ثروت ملی، باید بسیاری از اقدامات انجام می‌شد تا تغییر مالکیت که در آن سازه زمانی به صورت مالکیت اربابی استیلای استبداد و نمایان‌ساز زندگی خرده‌بوروازی جدید شهری است. پس شواهدی دیگر را نیز می‌توان بر شمرده: توصیف دل‌هره‌آمیز مردم و کیفیت زندگی ایشان، پشت کردن به محیط متعصب و مبارزه با آن، توصیف فقر و بی‌خانم‌ها و بیماری، بی‌زاری از ابتلال و هرج و مرج و شوش‌پرستی، حسرت بر ارزش‌های اصیل و کهن ایران باستان، انسان‌مطردان جامعه و واژده، ریاکاری، مال‌طلبی و جنجال بر سر ارث، پاس، جنون و مرگاندیشی، افشای عوام‌فریبان و سوءاستفاده آنان و سودجویی به طلب عدالت اجتماعی و... از دیگر مسائل، بیان وضع زنان است. همان‌طور که بیشتر اشاره شد گاه از رشادت، ایستادگی و دلیری‌های ارتقا حتی زنان روستایی صحبت به میان می‌آید؛ اما گاه در بند باری‌ها و هتاک‌ها و گاه در ستم‌وارد بر زنان و حذف ایشان توصیفاتی صورت می‌گیرد. در برابر، گاه‌ها به شکل نمادین جامعه مردسالار به‌دانش، مسأله‌زندی روستایی قرار می‌گیرد که این مورد بیشتر در تجلی اولین رمان مدرن، «بوف کور»، دیده می‌شود و تماماً باز نمود حیات اجتماعی این دوران و دیدگاه پسر سالارانه سیاسی است. تا بدین‌جا به گروهی از طبقات مذکور در این جستار پرداخته شد و حال جای آن است که نگاهی به طبقه دوم اشاره شده، یعنی کشاورزان و زندگی روستایی نیز صورت گیرد. بی‌شک همان‌گونه که بسیاری از اعمال روستایی در داستان‌ها، زبان‌تاب‌هایی داشته، مسأله‌زندی روستایی و نوع زیست آن هم مطرح شده است. در این عصر داستان‌هایی با مضمون زندگی مشقت‌بار روستاییان در آثار جلیل‌قلی قلم‌قلم‌قلم، شخصیت کشاورز در «دم‌ها و درج‌های کوچ‌نو»، کریم کشاورز که به لحاظ جامعه‌شناسی و زیست‌زندگی کشاورزی و کارکرد اقلیم‌شناسانه دارای ارزش است. نیز مطرح شده است، نکته توجه‌برانگیز در اثر اخیر اشاره به دوره مردمدار است که در کنار روحانیون و علمای باقی می‌مانند تا خواسته خود را امین‌بربرقاری عدالت اجتماعی جامعه‌مطلوب‌باشند. این مسأله به کلی حاکم تبعات کنار گذاشتن روستاییان به دست رضاخان و اقدامات مختلف او در دور کردن علما از حکومت است. پس ذکر بار بار باز نمودی از تحولات سیاسی آشکاری می‌شود.

در آخر، با بیان نکات فوق آنچه می‌تواند رهنمون به یک برداشت کلی در مطالعه رابطه ادبیات و اجتماع این عصر باشد نظر به «نه ولک» و «وستین وارن» است. رون موعقند که در شناخت رابطه واقعی ادبیات و جامعه، نخستین مسأله خاستگاه و منزلت اجتماعی نویسنده، سپس محتوای اجتماعی و اشارات ضمنی و مقاصد اجتماعی اثر و مسأله آخر تأثیرات اجتماعی ادبیات بر جامعه است [۴] که بررسی اجامی مسائل مذکور در این بخش نویسنده‌گان این دوره می‌توان به این نتیجه رسید که نویسنده سرخورده این دوره بیشتر با انگیز گوشه‌نشینی به واکنش در برابر بی‌بازرسی به نیازهای اجتماعی خویش پرداخته و به نحای مختلف برای آنچه که درک می‌کند دست به انتقاد می‌زند (با طنز انتقادی یا بازنمایی واقعیت مأموم) تا بر آن‌ها یکدست جامعه خود تأثیر گذارد؛ پس واکنشی دوعبده دارد: (الف)، رون زندگی و جامعه‌گریزی که در متون نیز بازتاب می‌یابد (البته گفتنی است که در خلال استبداد و خفقان سیاسی واکنش‌های عینی دیگر از نویسندگان دیده شد، چون: ترک وطن، تغییر رویه‌اندان) (ب) بازنمایی‌های انتقاد امیزاجتماعی و سیاسی عصر.

- بی‌نوشت:
- ۱] صادقی، فاطمه. کشف حجاب، صص ۷۰ و ۷۱
- ۲] دادسیما. فرهنگ اصطلاحات ادبی، صص ۲۰ و ۲۱
- ۳] صادقی، فاطمه. کشف حجاب، صص ۲۷ و ۲۸
- ۴] آر.ک. ولک، رنه و وارن، اوستین. نظریه ادبیات، صص ۱۰۱

بخش‌های دیگر این مطلب به‌طور متوالی روزهای یکشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شوند.

